

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ولادیمیر کودریاوتسف - (Vladimir Koudryavtsev)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۸ اکتوبر ۲۰۲۰

آناکوندای آتشی در کنار مرزهای فدراسیون روسیه

بحران دولتمداری، که پساشوروی می نامند

پس از انهدام اتحاد شوروی در ویرانه های آن هرگز آرامش برقرار نبوده است. گاهی جنگ داخلی در تاجیکستان، گاهی دیگر درگیری نظامی در پریدنسترویه، زمانی انقلاب نارنجی در اوکراین و جنگ گرجستان با آبخاز و گرجستان با اوستین. تا وقتی که اینها ظاهراً در زمانهای مختلف و در نقاط مختلف روی می دادند، اوضاع بحرانی به نظر نمی رسید.

با این حال، اکنون، حوادث بحرانی در دونباس، در بلاروس، در قفقاز (جنگ ارمنستان - آذربایجان)، در قرقیزستان با هم هماهنگ شده اند. راه حل مشکل دونباس، که به طور قطع نمی خواهد بخشی از "اوکراین پسا پساشوروی" و نئونازیسم آن باشد، به بن بست رسیده است؛ در کیف در حال حاضر مذاکرات در خصوص ایجاد پایگاه نظامی انگلیس در خاک اوکراین جریان دارد. آتش جنگ بر سر قره باغ دوباره زبانه می کشد. در قرقیزستان پس از برکناری رئیس جمهور، همانطور که در انقره با رضامندی خاطر نشان می سازند، "این فقط آغاز کار است"، چشم انداز حل و فصل بحران سیاسی در بلاروس روشن نیست، روح مخالفت در آنجا افراطی تر می شود.

در آتش "سوختن" کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اورآسیا که با نقش آفرینی و ابتکار روسیه تشکیل گردیده است، مخصوصاً توجهات را به خود جلب می کند. ناگفته نماند، که فشارهای رو به تشدید خارجی بر فدراسیون روسیه را نباید نادیده گرفت، اما همه مشکلات را نمی توان با فشار تهاجمی خارجی توجیه کرد. این یک اشتباه بزرگ است.

بحران هرگز بدون زمینه آغاز نمی شود. آن، همیشه علل داخلی دارد و قدرتهای خارجی از آنها استفاده می کنند. تنشج در اوکراین، در بلاروس، در قرقیزستان، در قفقاز، در مولداوی یا هر جای دیگر یک مخرج مشترک دارد: بحران دولتمداری پساشوروی!

القبای مدیریت مؤثر دولتی عبارت است از ایجاد چنان ساختار اجتماعی و اقتصادی که بر پایه توازن منافع "بالاینها" و "پائینها" مبتنی باشد. سیاست اقتصادی مؤثر، به عنوان وظیفه اجتماعی کامل دولت (برای حفظ آرامش اجتماعی)، و همچنین اقدامات سنجیده حاکمیت در حوزه فرهنگ و حافظه تاریخی مردم و جوه مشخصه آن شمرده می شود. در هر جا که حتی یکی از این مؤلفه ها کنار گذاشته شود، دیر یا زود مشکلات "انقلابی"، و در برخی موارد "مخلوطی از بحران انفجاری" ظاهر می شود.

شاید، محدودیت همه تغییر و تحولاتی که در تاریخ پس از شوروی بسیار اتفاق افتاده است، این باشد که همه آنها در بالا روی داده است - حتی یک مورد وجود ندارد که منجر به تحول اجتماعی به معنای واقعی کلمه شده باشد.

نمونه کتابی آن اوکراین است. همه مشکلاتی که پس از کودتای سال ۲۰۱۴ ظاهر شدند و اکنون با بدله های رئیس جمهور دلقک (او با بیش از ۷۰ درصد آراء انتخاب شد) ادامه می یابند، ناشی از بی اعتمادی مزمن به عملکرد خود می باشد. قرقیزستان کمافی السابق در شرایط رویارویی شمال و جنوب به سر می برد، که در اثر آزمایش تلخ "دموکراسی پارلمانی" به سبک قرقیزی و فقر جمعیت تشدید می شود. در بلاروس، به موازات تأثیر شدید پولند، پویائی توسعه بحران موجب مشکلاتی گردیده است، که الکساندر لوکاشنکو بدرستی تشریح کرد: "شاید، دولت من بیش از حد در قدرت بوده است". غرب توانست از این استفاده کند.

کسی خواهد پرسید: پس، در تاجیکستان چه اتفاق افتاد؟ این کشور که با مشکلات بسیار بزرگ (وابستگی شدید به مهاجرت کارگری؛ حاکمیت استبدادی با اصول فرمانروائی خانوادگی؛ خطر اسلامگرایی افراطی، تجارت مواد مخدر و الی آخر) مواجه است، اما اخیراً انتخابات ریاست جمهوری در آنجا به آرامی برگزار گردید و هیچ کس "آتش انقلابی" در میدان روشن نکرد.

شاید مسأله عبارت از این باشد، که زخمهای تاجیکستان پس از جنگ داخلی سالهای ۱۹۹۰ هنوز بهبود نیافته است؟ و در همه حال در پرتو حوادث اخیر در اطراف فدراسیون روسیه، این جمهوری آسیای میانه به عنوان بمب ساعتی هر چه بزرگتر دیده می شود...

در مولداوی - یکی دیگر از جمهوریهای پسا شوروی، هم اکنون شرایط برای "طوفان مطلوب" در متن انتخابات ریاست جمهوری آینده آماده است: فقر، انشقاق شدید حزبی - سیاسی همراه با فساد و عناصر حاکمیت الیگارش، رویارویی هواداران رئیس جمهور "متمايل به روسیه" و نمایندگان غربگرا در پارلمان که اکثریت را تشکیل می دهند، به اضافه مداخله تاریخی رومانی در امور داخلی جمهوری مولداوی. رشد ناگهانی مقاومت مدنی کهنه سربازان جنگهای سالهای ۱۹۹۰ در سال ۲۰۲۰ بسیار نگران کننده است و بعید نیست، که سناریوی جنگ "ملت متحد مولداوی" می تواند از قوه به فعل تبدیل شود. با توجه به دورنمای چنین "اتحاد"، خطر جدائی قاقانوز از مولداوی احساس می شود...

در هیچ یک از جمهوریهای پسا شوروی امکان حل و فصل سریع مشکلاتی که در سه دهه گذشته یکی بعد از دیگری ظاهر شدند، وجود ندارد. شناخت صادقانه تمام نقائص و کمبودهای وضع موجود (خود این نیز یک مشکل بزرگ است) و سپس، یک دوره کار طولانی و پر زحمت، اما نه برای ایجاد "تعادل جدید" بین گروههای الیگارش منجمد، بلکه، به منظور جلب آن کسانی به مشارکت در مدیریت که عامدانه از چنین فعالیتهای منع شده اند، تنها راهکار موفق در مسیر تحول عمیق می تواند باشد.

راه دیگری وجود ندارد. در مسیر دیگر، سرانجام خلأ سیاسی پسا شوروی (بژنسکی که در سال ۲۰۱۷ درگذشت، بدون این که شاهد رویدادهای امروز باشد، آن را "چاله سیاه" نامید) توسط نیروهای خارجی دورتر نسبت به روسیه تاریخی پر خواهد شد و آن وقت نه کشورهای خارجی هممرز با روسیه، که حالا خارج "نزدیک" نامیده می شوند، بلکه، نواحی همجوار آنها در داخل مرزهای فدراسیون روسیه آتش خواهند کرد.

<https://www.fondsk.ru/news/2020/10/20/ognennaja-anakonda-pochemu-polyhaet-u-granic-rossijskoj-federacii-52090.html>

۱. م. شیری - ۷ آبان - عقرب ۱۳۹۹